گزارشک

ماجرای تارت طلایی

هفته گذشته در برنامه ترکیبی به خانه برمی‌گردیم که عصرها از شبکه پنج پخش می‌شود، همچون روال قبل در بخش آشپزی دستور پخت یك كيك آموزش داده شد، اما کارشناس برنامه برای تزئین کیکی که آموزش داده بود از ورقه طلا استفاده کرد و صبا راد، مجری برنامه هم در ادامه حرف کارشناس آشپزی درباره مهریه، ازدواج و ... صحبت کرد و همین منجر به پخش شایعه‌های فراوان شد.

ضمن این‌که این بخش از برنامه مرتب در فضای مجازی با عناوین صدا و سیما چه می‌کند؟ آرزوهای طبقه متوسط که شب و روز خواب پولدار شدن و سرمایه‌داری می‌بیند را باد می‌کند؟ تفاخر با روکش طلا که خودش از قضا جنس بنجل و قلابی است؟ تبلیغ منحط‌ترین مدل مصرف‌گرایی برای طبقات فقیر با کالاهای فیك؟ مثل برندپوشی فیك؟ امان از این کارخانه فرهنگ‌سازی! و ... منتشر شد.

به همین دلیل فردای روزی که این کلیپ‌ها پخش شد، یکی دیگر از مجریان برنامه به خانه برمی‌گردیم در بخش آشپزی و قبل از آموزش اعلام کرد: روز گذشته در بخش آشپزی كيك، از وسایل غیرمعمول استفاده شد که منجر به سوءتفاهم شده است؛ به همین دلیل مدیر گروه خانواده و کودك شبکه پنج سیما از مخاطبان عذرخواهی می‌کند.

این مجری در بخش دیگر از صحبت‌هایش در برنامه تاکید کرد: به کارشناس آشپزی تذکر لازم داده شد که از وسایل غیرمعمول استفاده نکند.

پست اینستاگرام
مدیر گروه کودک و خانواده شبکه۵

مهدی کریمی، در اینستاگرام خود نوشت: عجالتا کار ندارم با این موضوع که ورق طلای گفته شده در بخش آموزش کیک برنامه ، طلای مرسوم قیمتی نیست و این نوع موارد تزیینی خوراکی با قیمت کمی در شیرینی فروشی ها قابل خریداری است و همچنین فی الحال با دلایل و علل و انگیزه های وایرال شدن این بخش از برنامه با فاصله کمتر از دو ساعت کار ندارم اما عذرخواهم از استفاده از این وسیله غیرمعمول در برنامه تلویزیونی با مخاطب گسترده بدون توضیحات لازم که برای برخی از مخاطبان ایجاد سوء تفاهم کرده است.

خبر

معرفی اعضای جدید شورای عالی نمایشی

در نشستی با حضور دکتر دارابی، اعضای جدید شورای عالی نمایشی مرکز سیمای استان‌ها معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان‌های سازمان صدا و سیما، نشست شورای عالی نمایشی مرکز سیمای استان‌ها با حضور معاون رسانه ملی و اعضای جدید این شورا برگزار شد. دارابی، معاون امور استان‌های صداوسیما طی سخنانی با اشاره به اهمیت آثار نمایشی در مراکز استانی اظهار کرد: این شورا باید سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و راهبری محتوای آثار نمایشی اعم از سریال‌ها، مینی‌سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی را در مراکز صدا و سیما انجام دهد. وی افزود: ارتقای محتوایی فیلمنامه‌ها یکی از اصول اساسی کار به شمار می‌رود، چه این‌که متون فاخر و ناظر به نیازهای مردمی به تولید آثار ماندگار و پرمخاطب منجر می‌شوند.

معاون امور استان‌های رسانه ملی خاطرنشان کرد: اولویت‌های تولید در هر استان باید شناسایی شود و سپس در چارچوب حفظ و تقویت استقلال ملی، صیانت از زبان فارسی و توسعه پایدار در استان‌ها به تولید آثار نمایشی پرداخت. وی با تاکید بر این‌که ضوابط و استانداردهای تولید در این شورا مشخص شود گفت: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مراکز با حضور اعضای شورای عالی امری ضروری است.

شرحی بر سیره مهاجر غریب در رادیو معارف

ویژه‌برنامه «مهاجر غریب» به تبیین ابعاد سفر حضرت فاطمه معصومه (س) از مدینه می‌پردازد به گزارش جام جم، همزمان با فرارسیدن رحلت جانسوز حضرت فاطمه معصومه(س)، سید احمد محمودی از پخش ویژه‌برنامه «مهاجر غریب» از امواج فضیلت و فطرت خبر داد. وی خاطرنشان کرد: این برنامه با هدف ارتقای معرفت مخاطبان نسبت به حضرت فاطمه معصومه سلام‌ا... علیها به عنوان یکی از اسوه‌ها و الگوهای اخلاقی طراحی و تولید شده است. مدیر گروه قرآن و اهل بیت(ع) در ادامه به اهداف این برنامه اشاره کرد و گفت: ویژه‌برنامه مهاجر غریب در تلاش است به بیان ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی مسافرت و هجرت حضرت معصومه سلام‌ا... علیها از مدینه بپردازد و آثار و پیامدهای این سفر را بازگو کند. گفتنی است برنامه مهاجر غریب به تهیه‌کنندگی سیده منیره موسوی، اجرای عباسعلی توفیقی و کارشناسی حجت‌الاسلام صفاری امروز ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه از رادیو معارف موج اف‌ام ردیف ۹۶ مگاهرتز روی آنتن می‌رود.

نمایی از سریال معمای شاه به کارگردانی محمدرضا ورزی

گفت‌وگوی جام جم با محمدرضا ورزی، کارگردان سریال‌های تاریخی

تاریخی سازان همیشه متهم به تحریف اند

ادامه از صفحه ۵

شما جزو معدود کارگردانانی هستید که هر اثری را که خلق می‌کنید، با اعتراض عده‌ای روبه‌رو می‌شوید. فکر می‌کنید دلیل آن چیست؟

مخالف‌خوانی همیشه کار را مطرح می‌کند و راجع بهش بحث می‌شود. ما مخالف‌خوانی را به دو بخش تقسیم می‌کنیم که طبیعتا چنانچه نقد سازنده‌ای داشته و برای فیلمساز عبرت‌آموز باشد و به تعبیری منتقد بتواند اصولی اثر را نقد کند، من به شخصه مشکلی با این قضیه ندارم و همیشه استقبال کردم. ولی بخشی هم مربوط به حب و بغض عده‌ای است که به هر حال طبیعی است که وقتی شما در مسیری گام برمی‌داری، عده‌ای هم به سمت شما سنگ پرتاب می‌کنند. بنابراین من هم مستثنی از این اتفاق نیستم و تصور شخصی‌ام این است که این مسائل اتفاقا انگیزه‌های من را تقویت می‌کند. به این دلیل که می‌فهمم کجا ایستاده‌ام. اما نقد درست و اصولی برای من تامل ایجاد می‌کند. فکر می‌کنم نقد، حکم معلم را برای فیلمساز دارد. البته که من تنها کارگردانی نیستم که در این شرایط قرار می‌گیرم و مشکلی هم با این قضیه ندارم؛ چون به کارم اعتقاد دارم، برایش زحمت می‌کشم و به آن عشق می‌ورزم.

تا چه حد سعی می‌کنید در مطالعات تاریخی که در جهت ساخت یك اثر دارید، نگاه تك بعدی نداشته باشید؟

هیچ وقت این کار را نکردم. به خصوص زمانی که قرار است سریال بسازم، سعی می‌کنم ترجمه‌ها و تالیف‌های افراد مختلف را مطالعه کنم؛ ضمن این‌که درام زمانی شکل می‌گیرد که قهرمان و ضدقهرمان وجود داشته باشد. از این رو من نمی‌توانم در میانه راه قهرمان را به ضدقهرمان و هیولا تبدیل کنم. البته ممکن است یك سری رفتارها هم از قهرمان ببینی که خطای اوتلقی شود. به عنوان مثال برای ساخت سریال «معمای شاه» من کتب مختلفی را رصد کردم و از دریچه نگاه نویسنده‌های مختلف ماجرا را دیدم. به تعبیری من درکنار کتاب‌های مورخین پس از انقلاب که درباره پهلوی نوشته بودند خاطرات فرح دیبا به نام کهن دیارا، در دامگه حادثه خاطرات پرویز ثابتی رئیس اداره سوم ساواك، خاطرات علم و حتی حسین فردوست را هم خواندم و نیز با افراد زیادی ملاقات داشتم که نمی‌توانم اینجا مطرح کنم، اما درواقع حکم تاریخ شفاهی را داشته و در آن دوران و حتی در زمان انقلاب اسلامی نقش داشتند. بنابراین «معمای شاه» مجموعه‌ای از همه مطالعات و ملاقات‌های من با شخصیت‌های مهم انقلاب و شخصیت‌های مهم عصر پهلوی بود؛ افرادی که خیلی به خاندان شاه نزدیك بودند. البته نمی‌توانم نام آنها را بیان کنم. اما تصور من این است که در هر دوره‌ای هم خادم وجود دارد و هم خائن. بنابراین من هیچ‌وقت به دنبال تحریف تاریخ نبودم و سند حرف من هم کتاب‌ها و اسنادی است که با یاری یك گروه ۱۵ نفره طی دوسال بررسی و مطالعه کردیم و برخی از منابع را در تیتراژ سریال عنوان کردم.

جالب است که شما هم سعی نمی‌کنید به انتقادها پاسخ بدهید و واکنشی نسبت به معترضان نشان بدهید.

چرا باید پاسخ بدهم؟ اتفاقا عکس من را روی جلد یکی از نشریات به صورت فوتوشاپ جهت استهزا کار کردند که صد درصد پیگرد قانونی داشت. ولی اهمیتی ندادم چون فکر می‌کنم ضد تبلیغ خودش نوعی تبلیغ است. بنابراین من چند سال است که با این دست موضوعات زندگی می‌کنم و دیگر با ۲۴ سال سابقه در عرصه تولید و فیلمسازی برایم این طور مسائل نباید خیلی مهم جلوه کند. خاطره‌ای از یك نقد جالب دارم، سال‌هایی که فیلم «ابراهیم خلیل ا...» اکران شد دوستی برعلیه آن فیلم مقاله‌ای نوشت. برآوردی را که این دوست عزیز در مقاله‌اش ذکر کرده بود اصلا قابل مقایسه با برآورد اصلی فیلم نبود. البته بنده خوشحال شدم چون خروجی فیلم را با این برآورد دیده بود. سال‌ها گذشته و آن دوست در حال حاضر یکی از حامیان آثار بنده است. بنابراین من اصولا کار خودم را می‌کنم. به هر حال یکی از ویژگی‌های آثار تاریخی متهم شدن به تحریف است. از زمان استاد مازنده یاد علی حاتمی تا عزیز بزرگوار استاد داود میرباقری زمانی که سریال «امام علی(ع)» را ساخت، استاد محمدعلی نجفی زمانی که «سربداران» را ساخت و بهروز افخمی عزیز که «کوچك جنگلی» را ساخت، همواره در مظان این اتهام بودند و این که کار تاریخی در ایران ساختن کار خطرناکی است. چون برخی مورخان با فیلمسازان همیشه مشکل داشتند و عده‌ای از کسانی که مورخ نیستند و احساس می‌کنند همه چیز را می‌دانند، همیشه مشکل دارند و خواهند داشت.

در کل عده‌ای مدام روی شما و کارهایتان متمرکز هستند. این موضوع باعث ناراحتی‌تان نمی‌شود؟

بله. اتفاقا از اتصالات من به آدم‌های متفاوت بارها گفته شده است و این که دامادیا خواهرزاده مدیران بسیاری بوده‌ام (می‌خندد)! ولی واقعا به جزآن مثلی که می‌گوید بنی‌آدم اعضا یکدیگرند واقعا نسبتی با کسی ندارم.

«معمای شاه» به نسبت سایر کارهایی که ساخته‌اید، بیشتر مورد هجمه مخالفان قرار گرفت.

بله اتفاق جالب هم در زمان پخش سریال افتاد. به هر حال طبیعی است و در همه جای دنیا ممکن است در فیلم و سریال‌ها بتوان گاف‌هایی پیدا کرد. اما خاطرم هست خانم جوانی از جایی پول گرفته بود و ماموریت داشت هر قسمت از این سریال که پخش می‌شد، گاف‌های آن را پیدا و در فضای مجازی پخش می‌کرد، اما این عداوت باعث شد دقت و ظرافت گروه ما در کار بالا برود. من هم به یکی از همکاران، رهام مخدومی ماموریت داده بودم که فریم به فریم سریال را با دقت ببیند و قبل از این که پخش شود گاف‌های سریال را پیدا کند تا ما آن را اصلاح کنیم. بنابراین اقدام آن خانم به نفع کار تمام شد. با این حال من فکر می‌کنم اگر «معمای شاه» در زمان دیگری روی آنتن می‌رفت، به عنوان مثال ده سال قبل با این واکنش‌ها روبه‌رو نمی‌شد. ضمن این که برای من جالب است ایرانی‌های مقیم خارج از کشور استقبال بهتری از این سریال داشتند، اما پیشنهاد من همیشه این بود که فارغ از هر اعتقاد و طرز تفکری این سریال را باید بی‌طرفانه نگاه کرد.

البته بخشی از اعتراض‌ها به بحث حجاب آزاد برخی بازیگران این سریال برمی‌گشت.

به هر حال برای باورپذیری مخاطب باید از یك سری خط قرمزها عبور می‌کردیم.

خوب است بدانید که ماشانزه لیزه را در انتهای لاله‌زار در شهرك غزالی با کمك جلوه‌های ویژه بازسازی مفصل کردیم و تمام خانم‌های بی‌حجاب در حقیقت مردان جوانی بودند که با کلاه گیس و آرایش آنها را به خانم‌های جوان تبدیل کردیم و هیچ کسی هم متوجه نشد. من خیلی علاقه‌ای به فیلمبرداری در خارج از ایران به دلیل محدودیت زیاد در تولید ندارم و به نظرم می‌توان صحنه‌هایی از این دست را در ایران با مساعدت جلوه‌های ویژه به خوبی تولید کرد و نیازی به سفر خارج از کشور و این همه صرف هزینه نیست.

یکی از نکات مثبت آثار شما شبیه سازی شخصیت‌هاست. حتی شنیده‌ام این ویژگی باعث شده شما در بین نا بازیگرها هم دست به انتخاب بزنید.

بله. در «معمای شاه» بازیگر نقش جیمی کارتر را من در اتوبان چمران پیدا کردم. در ترافیك اتوبان شهروندی را در اتومبیلی دیدم که خیلی شباهت به کارتر داشت. از راننده محترم خواستم این امکان را به من بدهد تا بتوانم از زاویه‌های مختلف چهره آن آقا را ببینم و بعد که به شباهت بسیارش با کارتر پی بردم، شماره‌اش را گرفتم و برای کار دعوت کردم. این کار برای من دیگر یك نوع تخصص به حساب می‌آید و برای انتخاب بازیگر نقش مورد نظر خیلی فکر می‌کنم.

طبق مطالعاتی که در این زمینه دارید، چه نکته‌ای در تاریخ معاصر وجود دارد که تا این حد برای شما جذاب است؟

مراودات و سیاست بازی‌هایشان خیلی برای من جالب بود. همه در حال حذف یکدیگر بودند و در این میان عده‌ای حذف و برخی هم مظلوم واقع می‌شدند. مهم‌ترین نکته‌ای که در زمینه مطالعات من مهم بود، عبرت‌آموز بودن تاریخ است. من فکر می‌کنم اگر دولتمردان ما اشراف کافی روی تاریخ معاصر پیدا کنند، با هیچ مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند. چون تاریخ مدام در حال تکرار شدن است.

تاریخ را چگونه می‌توان روایت کرد که متهم به تك سونگاه کردن نشد؟

هیچ کاری نمی‌توان کرد. چون یك سویه نگاه کردن در زندگی روزمره هم وجود دارد. من شخصا اعتقادم بر این است آنچه که تا به امروز ساخته‌ام، دروغ نبوده و هیچ دروغی نگفتم و تحریف نکردم. فقط بخشی از تاریخ را ساختم. اگر چیزی از تاریخ را نساختم، مفهومش این نیست که تاریخ را تحریف کردم. به عنوان مثال وقتی شما «سه تفنگدار» الکساندر دوما را می‌خوانی، بخشی از تاریخ را در قالب رمان تعریف کرده، اما به این معنا نیست که تاریخ را تحریف کرده، فقط بخشی از آن را روایت کرده است. همین طور ویکتور هوگو در «بینوایان» بخشی از تاریخ فرانسه را روایت کرده است. بنابراین من برای خوشایند هیچ کسی کار نمی‌سازم. اصولا باسفارش تاکنون کاری نساخته‌ام. تمام طرح‌ها و انتخاب دوره‌ای که کارکردم دغدغه شخصی خودم بود. من به آنچه که می‌سازم، اعتقاد دارم. از این رو اگر رویکرد رسانه ملی به این سمت از تاریخ معاصر است و علاقه‌مند است و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند، به این خاطر است که در این بخش‌ها اشتراك داشتیم. اما همین رسانه ملی سال‌های پیش کاری را به من پیشنهاد کرد و من نپذیرفتم. با وجود این که برآورد خوبی داشت. چون دغدغه نداشتم. بنابراین اگر قرار بود باسفارش کار کنم، آن پیشنهاد را می‌پذیرفتم. در صورتی که دوست دیگری آن کار را ساخت و اصلا از تصمیمی که گرفتم پشیمان نیستم.

> من برای خوشایند هیچ کسی کار نمی‌سازم. اصولا باسفارش تاکنون کاری نساخته‌ام. تمام طرح‌ها و انتخاب دوره‌ای که کارکردم دغدغه شخصی خودم بود. من به آنچه می‌سازم اعتقاد دارم

بنابراین بر چه مبنایی بخشی از تاریخ را انتخاب کرده و آن را روایت می‌کنید؟

تا جایی که بضاعتم اجازه داده تاریخ معاصر را دوست داشتم و ساختم. ضمن این که من کار را صرفا برای آن دوران نمی‌سازم. اگر ستارخان می‌سازم، حرفی برای امروز جامعه‌ام برای دولتمردان دارم. من برای دولتمردان خیلی کار ساختم، بلکه ببینند و عبرت بگیرند. فیلمساز در تولید یك اثر باید رسالت و پیامی داشته باشد. البته باید بگویم من مورخ نیستم. اشتباه عده‌ای همین است که تصور می‌کنند من قرار است تاریخ را بگویم. من تاریخ دان نیستم؛ من تاریخ خوانم. من فقط فیلمسازم و آن مقطعی از تاریخ را انتخاب می‌کنم که شباهت بسیار زیادی به یك سری از مشکلات امروز دارد و سعی می‌کنم در حد بضاعت خودم در جامعه روشنگری و جامعه آگاهی کنم. من از تاریخ به عنوان ابزار استفاده می‌کنم تا حرفم را بیان کنم. درهمه جای دنیا یك فیلم تریبون فیلمساز است. حق دارد حرف بزند. من خیلی حرف‌ها زدم که عده‌ای تلاش کردند این حرف‌ها شنیده نشود، ولی زمان یار و یاور ارزشمندی است و قطعا تصمیم دیگری خواهد گرفت. حاشیه‌ها را کنار خواهد زد و اصل را عرضه می‌کند.

به زندگی کدام دوره از تاریخ یا فرد خاصی علاقه دارید و در صورت مهیا شدن شرایط تمایل دارید بسازید؟

من خیلی دوست دارم درباره دانشمند بزرگ ایرانی زکریای رازی سریال بسازم. البته پیش از این یك کار کوتاه ساختم، اما دوست دارم یك کار بلند درباره این شخصیت بسازم که کلی حرف در آن دارم. چون دانشمندان ما را مصادره می‌کنند و ما هیچ کاری انجام نمی‌دهیم. در کل به ساخت زندگی شعرا و دانشمندان خیلی علاقه دارم. البته من درباره زندگی دانشمندان هم مطالعاتی دارم و از این رو خیلی علاقه‌مند به ساخت سریال‌های بلند درباره زندگی این افراد دارم.

با توجه به سریال‌هایی که تاکنون ساخته‌اید، فکر می‌کنم در روایت داستان‌های عاشقانه کمتر ورود کردید.

«ایراندخت» یك عاشقانه محض بود و مردم هم خیلی دوست داشتند. من هم خیلی روی قصه کار کرده بودم و از همفکری دو نویسنده خانم استفاده کردیم تا فضا دربیاید. بعدهم من اصلا جنس کارم شبیه به عاشقانه‌های سریال‌های نمایش خانگی نیست. من در سریال «تبریز در مه» عشق سردار عباس میرزا به شاهزاده گرجستانی را نشان دادم. اما در سریال‌هایی که شخصیت‌های حقیقی را روایت می‌کنی فقط در یك چارچوب خاص می‌توانی عاشقانه را روایت کنی. اگر از این چارچوب خارج شوی، به اصل محتوای تاریخی لطمه وارد می‌کنی. به عنوان مثال در سریال «امام علی(ع)» قصه قطام فقط در چند قسمت روایت شده بود و کارگردان بیشتر از آن نمی‌توانست به این قصه بپردازد. خاطرم هست عده‌ای هم به مزاح می‌گفتند قطام سریال کم است. بنابراین در قصه‌های واقعی نمی‌توان خارج از اتفاقاتی که در ارتباط با شخصیت‌های حقیقی وجود داشته به آنها در سطح یك تغییر گسترده پرداخت.

گویا این روزها سخت مشغول نگارش سریال «سرزمین پریزاد» هستید؟

همراه گروهی از نویسندگان مشغول نگارش رمانی به نام «سرزمین پریزاد» هستیم. اما تا زمانی که مجوز تولید نگرفته‌ایم تکلیف آن مشخص نیست، ترجیح می‌دهم در این باره صحبتی نکنم. البته طرح و قصه متعلق به خودم است، اما دوستان دیگری تحت سرپرستی خودم در حال نگارش هستند. گرچه کار گروهی بسیار سخت است، اما من به این گونه کار کردن به شدت معتقدم و تصورم این است که با این شیوه اتفاقات بهتری می‌افتد.

در آثار شما نقش موسیقی خیلی مطرح است. همچنین ترانه و خواننده. مثلا صدای سالار عقیلی پیوندی دیرینه با کارهایتان دارد مخصوصا تیتراژ اول سریال معمای شاه و ترانه ماندگارش.

بله. ایران، فدای اشك و خنده تو... جادارد یادی کنم از دوست نازنینم ترانه سرای شهیر، زنده نام افشین یداللهی که شبی که پای تلفن این ترانه را برایم خواند بی‌اختیار اشکم فرو ریخت. قرار بود این ترانه را خواننده دیگری بخواند که اتفاقا هم خواند. نامش محفوظ بماند در استودیوی پاپ ضبط کردیم. با آهنگسازی بابك زرین عزیز که دومین همکاری ما بعد از تبریز در مه بود. با همان گروه یعنی زرین، مرحوم یداللهی و سالار عقیلی سریال بعدی را کار کردیم، اما در یك جلسه مشورتی با مدیران سازمان تصمیم بر این شد که همان خواننده‌ای که تیتراژ آخر را خواند تیتراژ اول را هم بخواند، یعنی سالار عقیلی. مقدر شد این تیتراژ ماندگار به نام سالار ثبت شود. از پشت صحنه لحظات ضبط استودیو هم فیلم‌های ماندگاری گرفتیم. تمرین‌ها و...]

مکث

تاریخ روسیه بسیار عبرت‌انگیز است

مطالعات من در زمینه تاریخ صرفا به دلیل ساخت فیلم و سریال نیست. به عنوان مثال من یك سال تاریخ روسیه را خواندم و روی آن کار کردم. در صورتی که مطالعه من ربطی به ساخت سریال نداشت، اما توانست جهان بینی من را نسبت به مراودات سیاسی اغنا کند. بازی‌هایی که در تاریخ روسیه شده خیلی عبرت‌انگیز است. مدتی هم هست که روی تاریخ اروپا کار می‌کنم. صرفا جهت اطلاعات عمومی خودم علاقه‌مند به مطالعه تاریخ اروپا شده‌ام. اروپایی که در رأس آنها انگلستان در حال مطالبه گری ازجهان است و خودشان را جامعه متمدنی می‌دانند و مدعی هستند که روش زندگی کردن را بهتر از دیگر اقلیم‌های جهان می‌دانند. در صورتی که این‌گونه نیست. بهترین روش در زندگی را ما شرقی‌ها داشتیم که آنها سعی کردند خرابش کنند و صفا و صمیمیتی را که در خانواده‌ها بود، کمرنگ کنند. البته هنوز به‌طور کامل موفق نشده‌اند همه چیز را نابود کنند. پدر و مادر هنوز برای ما مفهوم دارد. اما وقتی به فرهنگ اروپا نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید انقلابشان هم دچار تنش و استیصال است. در صورتی که انقلاب اسلامی ما این‌گونه نبود. چون مردم اعتقادات خودشان را داشتند و داستان انقلاب اسلامی صرفا فقط داستان گرانی و فحشای رژیم طاغوت نبود. اول ریشه مذهبی داشت و مطالبات معنوی مردم بر مطالبات مادی غالب بود. جنس مبارزه هم فرق می‌کرد. من مطالعاتی هم روی انقلاب فرانسه داشتم و در تلاشم روی اقلیم‌های مختلف کار کنم.